

## سیورسات

غلامرضا ورهرام



یکی از مشکلات اساسی در تحقیق و بررسی مناسبات مالیاتی در ایران، بیان دقیق اصلاحات و مفاهیم و تعیین کاربرد مختلف انواع مالیات و خراج است. از مشخصه تاریخ طولانی سرزمین ایران، استیلای عرب، ترکان و مغولان است که با نفوذ ویژگیهای خاص فرهنگی خود، تغییراتی را در اصطلاحات دیوانی و لشکری ایران با خود همراه داشته است، از این رو است که تحقیق در مورد اصطلاحات را با دشواری فراوان روبرو می‌سازد.

مفاهیم مالیاتی دقیقاً تعریف نشده است، حتی مفاهیم مختلف بکار برده شده در کنار هم، گاه دارای معانی مشابهی است. از طرف دیگر ممکن است یک مفهوم معین در زمانهای مختلف و حتی در یک دوره تاریخی، دارای مضمون متفاوتی باشد. برای مثال مفهوم سورسات یا سیورسات که در تاریخ قاجار کراراً با آن روبرو هستیم، علیق و علوفه‌ای است که اهل قری و دهات موظف بودند به مهمانداران قریه، مسافران و عابران رسمی و محتشم و همچنین اعضای حکومت و دولت که از

قریه عبور می کردند، بپردازند. این رسم به دوران پیش از اسلام بازمی گردد. در زمان هخامنشیان مسافرت شاه بار سنگینی را بر دوش مردم وارد می کرد<sup>۱</sup>. اما رسماً کلیه تدارکات اعضای حکومت از جانب حوزه پلیسی و نظامی ترتیب داده می شد. تشکیلات پستی در خدمت گزارشات محرمانه حکومت قرار می گرفت. گزارشات جاسوسان بنام "چشمان" و "گوش های شاه" توسط پست به اطلاع شاه می رسید، تا وی از اوضاع امپراتوری باخبر باشد. در دوران اسلامی، اعراب بنی امیه بسرعت به اهمیت چنین دستگاهی پی بردند و بعدها در دستگاه خلفاء نهاد "برید" - که تأثیر خاصی در امور مالیاتی بجای گذارد - جایگزین آن شد. از اشکال مالیات و خراج موجود در نظامهای سنتی شرقی چه در ایران قبل از ظهور اسلام و چه در دوران اسلامی پرداخت بهره به جنس بر سایر اقسام پرداخت (با کار و یا نقدی) تفوق داشته است. رشد کوتاه جریان کالائی - پولی در سده های سوم و چهارم قمری / نهم و دهم میلادی، ادامه گسترش شیوه مالیات پولی را با خود همراه داشت، که اگرچه با حمله مغول به ایران دچار رکود سختی شد، اما بکلی از بین نرفت<sup>۲</sup>.

از ویژگیهای این رکود، تحمیل خراجهای وظیفه، در مقابل شرایط نامناسب تولیدات کشاورزی و درآمد دهقانان بود<sup>۳</sup>، که گاه به زور شلاق و شکنجه از آنها اخذ می شده است. حتی زمان غازان خان، با این که اقداماتی علیه سوء استفاده ها و تحمیلات غیرقانونی عاملان مالیاتی بعمل می آمده است، معهذراعایا به جریمه ای نقدی معادل یک درصد "اصل" مالیات و هفتاد ضربه چوب محکوم می شدند<sup>۴</sup>. در زمان نخستین جلایریان نیز، برغم خط مشی سیاسی حکومت مرکزی، حکام و امراء و عمال مالیاتی محل از هیچگونه تعدی و ستم فروگذار نمی کردند<sup>۵</sup>.

در عصر تیمورخان نیز پیک ها همچنان این حق را داشتند که چهارپایان سواری و باری را برای استفاده خود ضبط نمایند<sup>۶</sup>.

ابوسعید (۸۷۳-۸۵۵ ق/ ۱۴۶۸-۱۴۵۱ م) حق نزول (حق اقامت) خود را با شلاق و شکنجه به چنگ می آورد<sup>۷</sup>. در عصر صفوی حق اقامت، هزینه چهارپایان سواری، عابران رسمی و فرستادگان خارجی و کلیه همراهان آنان به مخارج اضافه گردید که در اواخر صفوی معمولاً بصورت جنسی اخذ می شد<sup>۸</sup>.

بنابر گزارشهای کرملیها، در سده یازدهم و دوازدهم قمری / هفدهم و هجدهم میلادی میهمانان پادشاه به دهقانان مخارج سنگینی را تحمیل می کردند<sup>۹</sup>.

از گزارشات بخوبی می توان آگاه شد که جهت صاحب ملك هنگام اقامت در ملك خویش، دهقانان مجبور به انجام و تحمل کلیه مخارج می شدند. مالکان گاهی دهقانان را مجبور می کردند، که مخارج اقامت آنان را در روستا، نقداً بپردازند<sup>۱۰</sup> از دوران مغول ببعده مفاهیم مختلف مالیاتی به کار گرفته می شود، که این مفاهیم یا مترادف بودند و یا با تغییرات جزئی، شامل مالیاتهایی بود که بمنظور اقامت و مخارج مسافران حکومتی و یا برای قاصدان حکام تعیین می شد. بخشی از این اصطلاحات و مفاهیم از عربی اخذ شده است، مانند: علفه<sup>۱۱</sup> و علفه<sup>۱۲</sup>، اخراجات<sup>۱۳</sup>، عوارض (عوارضات)<sup>۱۴</sup>، نزل<sup>۱۵</sup>. و نزول<sup>۱۶</sup>، شناقص<sup>۱۷</sup> و توجیه (توجیهات)<sup>۱۸</sup>.

تعداد زیادی از این اصطلاحات از ترکی یا مغولی اشتقاق یافته است، مانند تغار<sup>۱۹</sup>، قلان<sup>۲۰</sup>، سواری<sup>۲۱</sup>، شوسون<sup>۲۲</sup>، الاغ<sup>۲۳</sup>، الام<sup>۲۴</sup>، قنلغه<sup>۲۵</sup> و شلتاق (شلتاقات)<sup>۲۶</sup>. بدون پرداختن به جزئیات در این موضوع، در يك مقایسه ساده نیز کاملاً اختلاف مفاهیم به چشم می خورد. از این رومی توان بخوبی متوجه این امر شد که کاربرد مفاهیم مالیاتی، از نظر ناحیه ای و زمانی، و حتی نوع فرمان ها کاملاً متفاوت بوده است.

مفهوم سورسات یا سیورسات که موضوع مورد بررسی ما است، بویژه بیشتر در سده سیزدهم قمری / نوزدهم میلادی، در دوران قاجار مورد استفاده بوده است. بنظر لمبتون این اصطلاح منحصرأ در عصر قاجار به کار می رفته است<sup>۲۷</sup>، البته این نظر تاحدودی می تواند نسبی باشد. این اصطلاح مسلماً از گذشته حتی به صورت منفرد نیز وجود داشته است. برای مثال در روضة الصفویه، اثر میرزا بیک حسن حسینی گنابادی<sup>۲۸</sup> از سده یازدهم / هفدهم، و یا در تاریخ جهانگشای نادری محمد مهدی بن محمد نصیر استرآبادی<sup>۲۹</sup> از سده دوازدهم / هیجدهم. در متون عثمانی - ترکی نیز استعمال این اصطلاح می بایستی از سالهای ق / ۱۹۶۹ م بوده باشد<sup>۳۰</sup>. ریشه این لغت تابحال هنوز مشخص نشده است. در حالی که دهخدا آنرا ریشه ترکی - مغولی می داند<sup>۳۱</sup>، دورفر (Doerfer) صحبت از "اصلی نامشخص" می کند<sup>۳۲</sup>. شیوه نوشتن این اصطلاح نیز متفاوت است، و بصورت "سیورسات"<sup>۳۳</sup>، "سیورسات"<sup>۳۴</sup>، "سورسات"<sup>۳۵</sup>، "سویورسات"<sup>۳۶</sup> و نیز "سورسات"<sup>۳۷</sup> نقل شده است.

در عصر قاجار سیورسات به تعدادی عملکردهای مختلف گفته می شد که در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد:

### ۱- پذیرائی شاهی

پذیرائی شاهی نوعی سیورسات است که هنگام مسافرت شاه انجام می گرفت. کلیه مخارج اقامت شاه در هر نقطه ای از محدوده قلمرو وی، بعهده امیران و حکام و افسران عالی رتبه و خانهای محلی مستقل و نیمه مستقل بود<sup>۳۵</sup>. به عنوان وفاداری و فرمانبرداری از شاه، به عالیترین وجهی از او و همراهانش پذیرائی می شد. بعضی از گزارشات حاکی از آن است، که مهمانداران، بسیاری از املاک خویش را به شاه می بخشیدند:

”... سال هزار و دویست و چهل و چهار، موکب ظفرشعار بجاناب شهر قم نهضت فرمود و بعد از چهار روز توقف بصوب سلطان آباد از توابع کزاز که از مستحدثات یوسف خان گرجی سپهدار است، حرکت نمود و بعد از ورود به شهر سلطانیه، غلامحسین خان سپهدار دویم حاکم عراق خلف الصدق سپهدار اول، تمامت مایعرف خود را از نقد و جنس، حتی قبالة املاک موروثه و مکتسبه را برطبق اخلاص گذاشته پیشکش پیشگاه شاهنشاه جهان پناه نمود، و سرفاخر را از گنبد دوازگذرانید و سیورسات و علوفه سپاه را از انبارهای خاصه خود ادا نمود و مورد عنایت شاهنشاهی گردید...“<sup>۳۶</sup>

بمنظور جلوگیری از هر نوع غارت و تجاوز سربازان، کلیه سیورسات می بایستی در محل مصرف شود و اضافات سیورسات از شهر خارج برده نمی شد<sup>۳۷</sup>.

بدون شك این رسم با سنت مهمان نوازی شرقی ارتباطی ندارد و باید بیشتر به صورت رسمیت شناختن حق قدرت شاهی ارزشیابی شود. امیرانی که علیه حکومت مرکزی قیام می کردند - حتی علیه قدرت شاهی بر می خاستند - ابتدا از پرداخت سیورسات خودداری می کردند. برای مثال الهیارخان حاکم سبزوار که در هنگام لشکرکشی فتحعلی شاه به خراسان در سال ۱۲۱۴ق/ ۱۸۰۰م:

”قلعه خود مستحکم شده، مانع پرداخت سیورسات شد“<sup>۳۸</sup>.

یا هنگام لشکرکشی عباس میرزا به خراسان در سال ۱۲۴۶ق/۱۸۳۱م که بمنظور سرکوبی خان‌های شورشی و سرکش بود، چنین امری صورت گرفته است:

”... سیورسات خواهان اردو از قلعه سیورسات خواسته، بجز نمودن سرب و باروت و انداختن گلوله و سرکشی امری دیگر مشاهده نکردند“<sup>۳۹</sup>.

حکام ولایات نیز با خودداری از پرداخت سیورسات، شورشهایی برپا می‌کردند. برای مثال در سال ۱۲۴۷ق/۱۸۳۲م سیف‌الملوک میرزا، نوه فتحعلی شاه مردم و لشکریان را علیه عموی خود فرمانفرمای فارس تحریک نمود:

”... عبارات ناشایسته به عم اکرم مرقوم داشته بود و مردم را از خدمت او و دادن سیورسات ممانعت کرد“<sup>۴۰</sup>.

بهمین علت خودداری از پرداخت سیورسات بمنزله ردّ قدرت حاکم، و تادیه آن مبنی بر شناخت آن قدرت تلقی می‌شد. برای مثال می‌توان به فرمانفرمایی اشاره کرد، که پس از مرگ فتحعلی شاه در سال ۱۲۵۰ق/۱۸۳۴م در شیراز به عنوان مخالف شاه جشن گرفت و پس از وصول خبر مرگ فتحعلی شاه سپاهیان خود را برای اخذ سیورسات به اطراف فرستاد:

”لشکریان را بجهت خواستن مواجب و سیورسات مرخص نموده...“<sup>۴۱</sup>.

از طرف دیگر شاهزادگان و امیران در اثر اغتشاشاتی که پیوسته در اثر مرگ سلطان به وجود می‌آمد، بمنظور اثبات وفاداری خود نسبت به جانشین وی در پرداخت سیورسات تعجیل می‌کردند. از جانشین “قانونی” محمد میرزا، که در حال پیشروی به تهران بود، چنین آمده است:

”در عرض راه نواب شجاع‌السطنه فتح‌الله میرزا با سیورسات و پیشکش بحضور آمد و حکومت خمسه یافت.“<sup>۴۲</sup>

گاهی عملکرد سیورسات به عنوان انقیاد و یا اطاعت نیز آشکار می‌شود:

”یارمحمدخان(وزیرهرات)درخدمتگذاری دولت علیه ایران کوشیده، سیورسات و سایر مایحتاج اردوی آذربایجان را داده، و کوتاهی در انجام این خدمات نمی نمود.“<sup>۴۳۳</sup>

## ۲- سیورسات به عنوان مخارج سفر

سیورسات نه تنها بمفهوم وظیفه نگاهداری و پرداخت مخارج مسافران مورد توجه بوده است، بلکه شامل وسایل سواری و باری بود، که باید در اختیار مقامات عالیرتبه قرار داده می شد. در مأموریتهای رسمی افرادی که در ایران مسافرت می کردند، اجباراً هدایایی نیز پرداخت می شد. ایلچیان، چاپارها، عامل محصل و سایر مقامات عالی شامل این هدایای اجباری می شدند. اطلاعات ما از منابع فارسی در این مورد بسیار کم و شاید نادر باشد، اما آنچه که ما را در این امر کمک فراوانی می کند، سفرنامه‌ها و خاطرات هیأت‌های خارجی در ایران است.

## ۳- سیورسات به عنوان آذوقه سپاه (تدارکات)

ورود اصطلاحات سیورسات در مفاهیم نظامی، تعبیرهای جدیدی به این اصطلاح می دهد. منابع عصر قاجار سیورسات را کارا با مفاهیم نظامی توأمآ به کار برده‌اند. ارتباط کلمه سیورسات با اصطلاحات نظامی مانند ”آذوقه“<sup>۴۴۳</sup>، ”تدارکات“<sup>۴۵۴</sup>، ”علائق الدواب“<sup>۴۶۴</sup>، و ”لوازم سفر“<sup>۴۷۴</sup> و یا با الحاق کلماتی مانند ”لشکر“<sup>۴۸۴</sup>، ”سپاه“<sup>۴۹۴</sup> و ”غازیان“<sup>۵۰۴</sup>، اهداف نظامی اصطلاح سیورسات را بخوبی آشکار می کند. در بسیاری از آثار قبل از قاجار مانند تاریخ جهانگشای نادری از سده دوازدهم قمری / هیجدهم میلادی نیز در چنین زمینه‌ای صحبت شده است.<sup>۵۱</sup> در بعضی از منابع قاجار سیورسات به مفهوم ”نیروی کمکی“ به کار می رود. در گزارشات جنگ‌های ایران و روس در مبحثی می خوانیم:

”عساکر روسیه را که در قراباغ بودند به جهت سیورسات عسرتی حاصل گشته، هرچه به یرملوف اظهار کردند، از راه حسدی که در کار پسکوویچ داشت، مطلقاً اعتنائی و اهمتامی نکرد“<sup>۵۲۳</sup>

در محل دیگر از شجاعت رئیس قبیله‌ای که ”سدره آذوقه و سیورسات“ بر روستها

شده بود، قدردانی می شود<sup>۵۳</sup>.

ژنرال سیسیانوف که مردم او را "اشپختر" می نامیدند سپاه خود را "به آوردن سیورسات و استمداد ساکنین پنبک به حرکت در آورد"<sup>۵۴</sup>. هنگام محاصره کامیشوان در سال ۱۲۲۸ق/۱۸۱۳م توسط ایرانیان، مصطفی خان حاکم طالش که با روسها<sup>۵۵</sup> همکاری می کرد، بعلت محاصره طولانی و قحطی مجبور به فروش تجهیزات سپاه شد:

"همه و علف و آب شیرین، مادیانهای خود را به اهالی سالیان به بهای ناقابل فروخت و برخی دیگر را بمصرف سیورسات و آذوقه روسیه رسانید...<sup>۵۶</sup>"

استعمال اصطلاح سیورسات به مفهوم "تدارکات" و "آذوقه" بویژه از گزارشات مصطفی افشار "بهاء الملک" درباره قرارداد صلح ۱۲۴۳ق/۱۸۲۸م به چشم می خورد:

"در این اثنا جمعی از سپاه به اوجان رفته، از آنجا عزیمت مینج کرده بودند. حضرت ولیعهد در مجلس برای موقوفی این عزیمت با جنرال پسکوویچ گفتگو کرده، قرار بر این شد که قشون روس از اوجان به هشترو بروود و عامل حضرت ولیعهد سیورسات آنها را در مدت اقامت کارسازی کند.<sup>۵۷</sup>"

سیورسات گاهی مترادف "تدارک" بکار می رفته است مثلاً زمانی که:

"سیورسات و آذوقه در اردو نایاب<sup>۵۸</sup> بود.

انصاری در کتاب تاریخ احوال عباس میرزا صحبت از "سیورسات سپاه ابوابجمعی" می کند:

"... چون موسم زمستان رسید و در اطاعت سردار غیر از ارض قدس جایی نبود، و مداخل نقدی و جنسی آن سیورسات سپاه ابوابجمعی او را کافی نبود، درین کار بحیرت افتاد.<sup>۵۹</sup>"

در بسیاری از منابع مختلف قاجار، سیورسات به عنوان شکل مالیاتی ثابت ذکر شده

است. در این مورد در تاریخ فارسنامه ناصری می خوانیم:

در سال هزارودویست و هفتادوینج که اول بنای شوریدگی ایل بهارلوی فارس بود... فضلعلی نام... پناه به قلعه تبر برده... گروهی اوباش پیروی فضلعلی کرده... در سال هزارودویست و نودوسه حضرت اشرف ارفع والاشاهزاده معتمدالدوله حاجی فرهاد میرزادام عمره و غزه، همت بر دفع اوگماشته اردوی سواره و پیاده نظام و چریک و توپخانه و قورخانه و سیورسات سالانه به سرداری جناب میرزا علی محمد خان قوام‌الملک شیرازی روانه فرمود، قلعه را محاصره نمودند... ۶۰۴

این که سیورسات، مالیات سالیانه بوده است، و یا این مالیات سیورسات نامیده می شده است، تاریخ نوجهانگیر میرزا اشارتی در این مورد دارد. استفاده صفت "یکساله" یا "سالیانه" برای سیورسات در شرح لشکرکشی محمد شاه به هرات در سال ۱۸۲۶ ق/ ۱۸۲۶ م بدان معناست که سیورسات در این ارتباط بایستی پرداخت سالیانه ثابتی بوده باشد:

"... پادشاه مرحوم برج و باره هرات را به لشکریان قسمت فرموده و هرکس باندازه قوت و قدرت قسمتی افتاده، مشغول بساختن سنگرها و ترتیب دادن حواله‌ها شدند، و اردوی همایون بجمع نمودن آذوقه و سیورسات یکساله صادر شده، همه لشکریان به دو قسم شدند، قسمتی در سنگرها نشسته مشغول قلعه‌گیری بودند و قسمتی در اردوی همایون مانده به جمع آوری سیورسات و آذوقه سالیانه قیام و اقدام می نمودند. ۶۱۳

سیورسات به دو دسته تقسیم می شد:

- ۱- سیورساتی که در محل اخذ می شد و بمصرف می رسید: که مخارج مسافران حکومت و ارزاق و مخارج حاکم و یا پادشاه جزء این دسته بود؛
- ۲- سیورساتی که از سرزمینی جمع آوری می شد و به محل معین دیگری انتقال داده می شد که مالیاتهای جنگ بویژه از این نوع است. در بسیاری از منابع



صحبت از حواله و انتقال سیورسات می شود:

”پس از گفتگو مصلحت دولت را بر این نموده سیورسات را به ولایت خراسان حواله کرده، محصلین برای وصول و ایصال تعیین نمودند. ۶۲۳“

و یا

”آذوقه و سیورسات که از صحرا و قرای نزدیک و دور تحصیل می شود ۶۳۳“ با ”... عرّاده و دواب حمل و نقل ۶۴۳“ می شد.

اما آذوقه سفر ایلچیان نیز می توانست از این طریق انجام پذیرد ۶۵.

#### ۴- سیورسات به عنوان خراج

این که سیورسات به عنوان خراج محسوب می شد، از بند ۹ قرارنامه شیخ سعید مسقطی حاکم بندرعباس از ۱۲۷۲ق/ ۱۸۵۶م بخوبی روشن می شود:

اگر حاکم فارس و کرمان سپاهی برای نظم نواحی بلوچستان روانه کنند، حاکم بندرعباس در دادن سیورسات و لوازم سفر اغماض نکنند ۶۵۴

در منابع دیگر نیز پرداخت سیورسات به عنوان خراج تلقی می شد:

”... محبعلی خان سرتیپ ماکوئی را نیز بهمین مصلحت به میسره اردو فرستاد و به رعایای محالات اطمینان و استمالت داده برونق حساب و قانون به استحضار میرزا قریش، مستوفی هرات سیورسات به محلات حواله داده، امنیت و رخاء در اردو پیدا شده، به فکر تسخیر قلعه افتادند... ۶۶۴“

#### ۵- سیورسات به عنوان جیره و مواجب

جالبترین منبع در این مورد در کتاب تاریخ نو به چشم می خورد. در این کتاب چنین می خوانیم:

”کامران میرزا در همان قلعه در آن اوقات وفات کرد، و بعضی از اولادش به دارالخلافة طهران به خدمت پادشاه مرحوم آمدند و مواجب و سیورسات مرحمت شده در دارالخلافة مقیم شدند. . . ۶۷۴

از این توضیح چنین بر می آید که سیورسات نه تنها شکل مالیاتی و عوارض اخذ شده است، بلکه به عنوان ”انعام“<sup>۶۸</sup> و هزینه اقامت سلطان نیز اعطا می شده است. اصطلاح سیورسات نه تنها در وقایع نگاریها وجود داشته است، بلکه در اسناد و فرمانها نیز مورد استفاده بوده است. نمونه آن در قرارداد سال ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۶ م امام مسقط<sup>۶۹</sup> و همچنین در رقم عباس میرزا از سال ۱۲۳۸ ق/ ۱۸۲۳ م به چشم می خورد<sup>۷۰</sup>. دو فرمان شاهی مورد بررسی ما اگرچه کلمه سیورسات را دربر ندارد، اما از هر لحاظ قابل اهمیت است. اولین فرمان از فتحعلی شاه است، و در ذوالحجه ۱۲۴۸ / آوریل ۱۸۳۱ نوشته شده است. در این فرمان ممنوعیت اخذ عوارض پولی (تنخواه) و یا درخواست های دیگر را ”بنام سربازان و سواران و غیره“ از ده لاله جین که جزء مالکیت شخصی علی خان است<sup>۷۱</sup>، صادر نموده است. دومین فرمان از ناصرالدین شاه است که در تاریخ رجب ۱۲۶۴ / ژوئن ۱۸۴۷ صادر شده است. در این فرمان نیز ممنوعیت اخذ ”وجوه نظام“ از هر دودۀ رنجیر و جام بزرگ، که جزء تیول بوده صادر شده است<sup>۷۲</sup>.

املاک خصوصی و تیول شامل سیورسات نمی شد. در تاریخ جهانگشای نادری، صحبت از اخذ سیورسات از املاک خالصه دیوانی<sup>۷۳</sup> است، که این ادعا استدلالی است معتبر، اما بررسی های بیشتری برای اثبات این موضوع ضروری است. سیورسات در اصل بصورت جنسی اخذ می شد. در آغاز سده سیزدهم قمری / نوزدهم میلادی بصورت نقدی کمتر ملاحظه شده است، اما با تغییرات کلی در نظام مالیاتی ایران و جایگزین شدن اقتصاد پولی، شکل نقدی سیورسات کراراً ملاحظه شده است. گسترش وابستگی اقتصادی ایران به کالاهای خارجی - بویژه و بیش از همه اسلحه - سیورسات بصورت نقدی انجام می گرفت.

تعریف محدود لمبتون از سیورسات به عنوان تقدیم ارزاق به ایلچیان و شخصیت ها و پیک های حکومتی هنگام سفر<sup>۷۴</sup>، نهایتاً می بایستی بر گزارشات سیاحان انگلیسی بنا شده باشد. در واقع سیاحان انگلیسی به مفهوم استعمال نظامی

سیورسات به عنوان رسومات جنگی و یا آذوقه سپاه توجه نکرده بودند. وصول کنندگان سیورسات، محصل<sup>۷۵</sup> و عامل<sup>۷۶</sup> نامیده می شدند. علاوه بر آن چاپار<sup>۷۷</sup>، بیگلربیک<sup>۷۸</sup>، حاکم<sup>۷۹</sup> و بلوک خدا یا بلوک باشی و یا کلانتر<sup>۸۰</sup> و مانند این مقام که در فارس و کرمان وجود داشت، در وصول سیورسات دخالت داشته اند. زیر نظر مستوفی، کلانتر توسط انبارداران از انبارهای شاهی آذوقه برای سپاه تهیه می کردند. حاکم که مسئولیت چنین اداراتی را بعهده داشت، برای جانشین ساختن ذخایر جدید، و در صورت امکان با توسل به زور از دهقانان به جمع آوری آذوقه می پرداخت<sup>۸۱</sup>. شاید اصطلاح "قلت یگیر" در این ارتباط، مورد استفاده قرار گرفته باشد:

"... موكب مسعود بعد از طی شانزده ورس، وارد چاپارخانه قاضی بیگ که در میان درّه (ای) تنگ و مطوّل اتفاق افتاده است، در آنجا قلت یگیر یعنی چاپار که برای جمع نمودن سیورسات پیش رفته بود، وارد و مذکور نمود که جماعت چچن در شش ورسی لارس جمعیت دارد...<sup>۸۲</sup>"

مهماندار، افسران همراه ایلچیان و مهمانان شاه، از محصلین سیورسات برای احتیاجات روزانه محسوب می شدند.

يك مسافر رسمی حکومتی برای احتیاجات روزانه خود، بنا بر اهمیت مقام و رتبه و تعداد همراهان خویش مبلغ معینی دریافت می داشت. احتیاجات بصورت جنسی یا نقدی پرداخت می شد. يك فرمانده نظامی با يك پزشك در روز، دو تومان یا معادل آن بصورت جنسی دریافت می داشت. كدخدای يك ده وظیفه داشت که احتیاجات مورد لزوم را در اختیار بگذارد<sup>۸۳</sup>. سهمیه سیاح انگلیسی جانسون در روز، ۷ پوند گوشت، ۲۱ پوند نان، برنج، کره، شیر، تخم مرغ و گوشت طیور بود، که این مقدار برای تعداد همراهان کم وی بسیار بود<sup>۸۴</sup>. اوزلی در عصر قاجار، علاوه بر آرد مرغوبی، که فقط برای شاه تهیه می شد، گوشت طیور و آهونیز دریافت می داشت<sup>۸۵</sup>. كدخدای ده که بنا به خواسته مهماندار می بایستی آذوقه در اختیار بگذارد، می توانست این مقدار را از مالیات کم نماید<sup>۸۶</sup>.

خودداری از سیورسات گاهی به مجازات جمعی منجر می شد. فریزر در سفرنامه

خود می نویسد:

”ساکنان ده گردو که از پرداخت سیورسات بصورت جنسی و نقدی خودداری کرده بودند، از جانب قاسم خان قاجار، یکی از دامادهای فتحعلی شاه با خاک یکسان شد، و اهالی آنجا به نقاط دیگری کوچ داده شدند.<sup>۸۷</sup>“

اسکان مهمانان حکومت در محل های کوچک صورت نمی گرفت. در اختیار اوزلی در هنگام ورود به تبریز در ۱۹ ژوئن ۱۸۱۲، خانه هایی گذاشته شده، که ساکنان آن کمی قبل از ورود وی آنجا را ترك کرده بودند.<sup>۸۸</sup>

مردم روستاها توسط سپاه نامنظم یا چریک ها مورد شتم و شکنجه قرار می گرفتند، و تحت بهانه اخذ سیورسات دهات را به ویرانی می کشیدند.<sup>۸۹</sup> کودکان دهات دزدیده می شدند و به بهای ارزانی به فروش می رفتند.<sup>۹۰</sup> و این رسم بطوری وجود داشت که عوام را کالانعام می دانستند.<sup>۹۱</sup> نظریه ای که نظام فکری قشر حاکم در آن زمان را مشخص می کرد. هنگام اخذ سیورسات رفتار این مأموران مانند کشورگشایان و سرداران بیگانه بود. در این امر افسران خارجی که در خدمت سپاه ایران بودند، شرکت می کردند.<sup>۹۲</sup>

زمانی که شخصیت های بزرگ در راه سفر بودند، اهالی روستا چاره ای جز ترك زمین و خانه خود را نداشتند. روستائیان بیش از هر کس تحت فشار بودند، و سیورسات درخواستی هیچ نوع هم آهنگی با درآمد آنان نداشته است.<sup>۹۳</sup> در حالی که ایلات در دوران گذشته از سیورسات معاف بودند، در دوران قاجار مجبور به پرداخت سیورسات شدند.<sup>۹۴</sup> کمترین قشری که شامل سیورسات می شدند، تجار بودند.<sup>۹۵</sup>

در منابع عهد قاجار کمتر اشاره ای به شیوه وصول سیورسات شده است. اما در بین سطور بعضی از نوشته ها، شرایط ناگواری که مردم هنگام اخذ سیورسات متحمل می شدند، به چشم می خورد.<sup>۹۶</sup> گزارشات و خاطرات بسیار کسانی که در این دوره به ایران سفر کرده اند، از فشارها و خشونت هایی که نسبت به روستائیان وارد می شده است، بطور کامل شرح می دهند، و در بسیاری از این گزارشات و خاطرات از مقاومت مردم در برابر این فشارها صحبت شده است.<sup>۹۷</sup>

## \* \* پی نوشتها و مآخذ:

۱. برای آگاهی بیشتر پیرامون وضعیت مالیاتی ایران در دوران باستان رجوع کنید به: R. Frye: *Die Perser, Das erste Imperium der Antike*, (München 1970).
۲. برای اطلاع از پیشینه تاریخی آن در عصر مغول رجوع کنید به:
  ۱. پتروشفسکی: کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، (تهران ۱۳۵۵)، ج ۱، ص ۶۴۹ و ۶۶۳ و بعد.
  ۳. همان کتاب، ص ۶۵۰ و ۶۵۲.
  ۴. رشیدالدین فضل الله همدانی: جامع التواریخ، (لیدن ۱۹۱۱)، ص ۶۳۱.
  ۵. درباره تعدیات نسبت به روستائیان رجوع شود به: هندوشاه نخجوانی، دستورالکتاب، ص ۱۶۸، (شکایات روستائیان به سلطان و جوابهای ایشان).
6. Hans Robert Roemer: *Staatsschreiben der Timuridenzeit*, (wiesbaden 1952), S. 181.
۷. بنا به مندرجات متون و منابع موجود (حافظ ابرو، میرخواند، مجمل فصیحی) قیام روستائیان قریه باشین (آغاز نهضت سرداران) بر اثر رفتار ناهنجار مأمور مغول که در خانه دو برادر اهل قریه منزل کرده بودند، آغاز شد.
۸. رجوع کنید به: شومستر و السر: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان، ترجمه و حواشی غلامرضا ورهرام، (امیرکبیر ۱۳۶۴)، ص ۴۳ و بعد.
۹. بنابر مینورسکی: تذکره الملوك، ص ۲۲.
۱۰. همانجا.
- ۱۱ و ۱۲. علقه مأخوذ از کلمه عربی است، بمعنی لغوی "خوراك" و علقه (عربی خوراك) است. معنی فنی این دو کلمه عبارت است از اخذ آذوقه و علقه برای لشکریان و سرداران و همچنین ایلچیان و عمال صادر و وارد و آدمهای ایشان و چهارپایان سواری و بازی ایشان. در بسیاری از متون، این دو کلمه غالباً با هم نقل شده است. رجوع کنید به: جونی، تاریخ جهانگشا، ج ۲، ص ۵۱؛ مینورسکی، سیورغال قاسم بن جهانگیر آق قویونلو، ص ۹۴۸؛ پتروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی مغول در ایران، ص ۷۳۹؛ و نیز:
  - H. Busse: *Untersuchung zum islamischen Kazeleiwesen* (Kairo 1954) S. 106;
  - H.R. Roemer: *Staatsschreiben der Timuridenzeit*, S. 42, 43, 146.
۱۳. اصطلاح اخراجات بك معنی کلی و جمعی داشته است و مفهوم گروهی از مالیاتها را می‌رساند که علی‌الرسم در اسناد مزبور جداگانه به آنها اشاره‌ای نشده است. این گونه مالیاتها برای تأمین "مخارج" نگهداری صاحب منصبان دولتی اخذ می‌گردیده است. رجوع کنید به: مینورسکی، سیورغال قاسم بن جهانگیر آق قویونلو، ص ۹۴۶؛ پتروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی مغول در ایران، ص ۷۴۸.
۱۴. عوارض جمع "عرضه" است، مالیات فوق‌العاده‌ای را که از روستائیان و شهرنشینان توسط دیوان یا ملوک و امرای فتودال، بمنظور تأمین مخارج فوق‌العاده از قبیل جنگ و جشن‌ها و تشریفات خانوادگی درباری و مانند اینها اخذ می‌گردید، "عوارض" می‌خوانند. رجوع کنید به: مینورسکی، سیورغال قاسم بن جهانگیر آق قویونلو، ص ۹۴۶؛ بوسه، *Untersuchung zum...*، ص ۱۰۴ و بعد؛ رومر، *Staatsschreiben der...*، ص ۱۶۵.
۱۵. این اصطلاح بیشتر بشکل جمع یعنی "نزول" (بمعنی "حق اقامت") بکار برده می‌شد. مردم مجبور بودند صاحب منصبان لشکری، ایلچیان، عمال دیوان، امراء، بزرگان، عمله و اطرافیان ایشان را در خانه خوش در مدت نامعینی پذیرائی کنند و منزل و اثاثیه در اختیار ایشان بگذارند و غذا تهیه و همه‌گونه وسایل آسایش و خوشی ایشان را فراهم کنند. رجوع کنید به: پتروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی مغول در ایران، ص ۷۶۳.
۱۶. همانجا.
۱۷. جمع "شفتصه" - در لغت نامه‌های عربی معنی آن "استقصا" آمده، که "کوشش تمام کردن" است. در اصطلاحات مالیاتی عبارت از حقوق و مالیاتهای "غیر قانونی" است. معنی اصطلاحی "شفتصه" پیش از مغول

- شناخته شده است. نگاه کنید: به: راوندی، راحه‌الصدور و ایه‌السرور، ص ۳۸۸؛ مینورسکی، سیورغال قاسم بن جهانگیر آق قوینلو، ص ۹۴۷، پتروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی مغول در ایران، ص ۷۷۳.
۱۸. "توجیه" که جمع آن "توجهات" است، اصطلاحاً واجد یکی از معانی "دفتر مالیات"، "فهرست مالیاتی"، "سند (خراج)" است. توجیه بمعنی اصطلاحی مالیاتی، در منابع نیز دیده می‌شود. این کلمه در خان نشینهای آذربایجان در قرن یازدهم و آغاز قرن دوازدهم قمری معروف بوده است. نگاه کنید به: مینورسکی، سیورغال قاسم بن جهانگیر آق قوینلو، ص ۹۴۶؛ بوسه، *Untersuchung zum...*، ص ۱۰۴ و ۱۱۰.
۱۹. تغار دارای دو معنی بوده است: واحد وزن (بیشتر برای غله)، برابر با صد من (= ۳۹۵ کیلوگرم)، و مالیات جنسی که از رعایا اخذ می‌گردیده و صرف علفه (آذوقه) لشکر می‌شده است: *G. Dorefer: Türkische und mongolische Elemente... im Neupersischen, Bd. I. (Wiesbaden 1963) S. 335 f.*، کشاورزی و مناسبات ارضی مغول در ایران، ص ۷۵۴.
۲۰. قلان - ویژگی این مالیات هنوز روشن نیست. بارتولد حدس زده است که مفهوم "قلان" مالیاتی بوده است که از اراضی مزروع مردم اسکان یافته و غیر صحرائشین می‌گرفتند. گاهی نیز به حقوق مالیاتهای گوناگون اطلاق می‌شده است. رجوع کنید به: دورفر، *Türkische und mongolische...*، شماره ۱۵۰۳، ج ۲، ص ۴۸۸ و بعدها.
۲۱. دورفر: *Türkische und mongolische...*، شماره ۲۱۱، ج ۱، ص ۳۳۵ و بعد.
۲۲. شوسون (ترکی)، آذوقه برای ایلجیان و دیگر خدمتگزاران. دورفر: *Türkische und mongolische...*، شماره ۲۳۸، ج ۱، ص ۳۶۲، جامع التواریخ، ص ۶۰۹.
۲۳. الاغ (مغولی = الاغه و یا الاعه) معنی لغوی آن هر حیوان اهلی که برای حمل بار و کشیدن عرابه بکار رود، و معنی اصطلاحی آن اسبان چاپار و پیک است که رعایا بدرخواست رئیسان چاپار برای عبور خدمتگزاران دولت از یک ایستگاه یا مرکز چاپار به ایستگاه دیگر در اختیار ایشان می‌گذاشتند. الاغ با دستگاه چاپار یا پست دولتی (به عربی "برید" و به مغولی "یام" مربوط بوده است. رجوع کنید به) دورفر: *Türkische und mongolische...*، شماره ۵۲۲، ج ۲، ص ۱۰۲ و بعدها.
۲۴. الام - اشتقاق این کلمه مهم است. کلمه الام (ترکی؟) بمعنی "پیغام رساننده و" پیغام" بوده است. در اصطلاح مالیاتی عبارت بوده از پرداخت مخارج نگهداری پیکان و یا "پیغام رسانندگان" مسافر، توسط رعایا. رجوع کنید به: جامع التواریخ، ج ۲، ص ۵۰؛ برهان قاطع، ص ۷۵؛ دورفر: *Türkische und mongolische...*، شماره ۲۹۲، ج ۱، ص ۴۲۰؛ مینورسکی، سیورغال قاسم بن جهانگیر آق قوینلو، ص ۹۴۷.
۲۵. دورفر: *Türkische und mongolische...*، شماره ۲۹۲، ج ۱، ص ۴۲۰ و بعد.
۲۶. شلتاقات جمع معرب کلمه مغولی "سلناک"، "سلناک"، "سلتقان" که معنی لغوی آن "بهبانه" است. این اصطلاح غالباً در متون، برای رساندن مفهوم مالیاتی "غیرقانونی" که از رعایا مأخوذ می‌گردیده، آمده است. رجوع کنید به: سیورغال قاسم بن جهانگیر آق قوینلو، ص ۹۴۷.
۲۷. ا.ک. لمتون: مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری (تهران ۱۳۶۲)، ص ۷۸۹.
۲۸. دورفر: *Türkische und mongolische...*، شماره ۲۰۵، ج ۴، ص ۲۸۹.
۲۹. محمد نصیر استرآبادی، تاریخ جهانگشای نادری، ص ۲۷۱.
30. J. von Hammer: *Das osmanischen Reiches Staatsverfassung und. Staatsverwaltung, darstellt aus den Quellen seiner Grundgesetz. (Hildesheim 1963), Bd. I, S. 330.*
۳۱. لغت نامه دهخدا، حرف "س"، ص ۷۸۵.
۳۲. دورفر: *Türkische und mongolische...*، شماره ۲۰۵، ج ۴، ص ۲۸۹ و بعد.
۳۳. همانجا.
34. James W. Redhouse: *A Türkisch and English Lexicon, (Beirut 1974), p. 105.*
۳۵. رضا قلی خان هدایت: روضه‌الصفای ناصری، ج ۴، (قم ۱۳۳۹) شمسی، ص ۷۲۳؛ وحسینی فسائی:

- فارسنامه ناصری، ج ۱، (تهران، سنائی، بی نا)، ص ۲۷۴.
۳۶. تاریخ فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۲۷۴. همچنین رجوع کنید به روضه‌الصفای ناصری، ج ۴، ص ۷۰۴ و ۷۴۱.
۳۷. روضه‌الصفای ناصری، ج ۹، ص ۷۰۴. شبیه همین گزارش در تاریخ فارسنامه ناصری، ص ۲۷۴.
۳۸. فضل الله خاوری شیرازی: تاریخ ذوالقرنین، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۳۲۰۷، ص ۴۰؛ همچنین رجوع کنید به: عبدالرحمن دنبلی (مفتون)، مآثرسلطانیه، (تبریز ۱۳۴۱)، ص ۲۸.
۳۹. فضل الله خاوری شیرازی: تاریخ ذوالقرنین، ص ۱۵۴.
۴۰. رضا قلی خان هدایت: تاریخ روضه‌الصفای ناصری، ج ۱۰، ص ۴۰.
۴۱. جهانگیر میرزا، تاریخ نو، به کوشش عباس اقبال، (تهران ۱۳۲۷)، ص ۲۲۳.
۴۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۴، ص ۱۶۲؛ همچنین: رضا قلیخان هدایت، روضه‌الصفای ناصری، ج ۱۰، ص ۱۴۷.
۴۳. جهانگیر میرزا، تاریخ نو، ص ۳۲۴.
۴۴. عبدالرزاق دنبلی، مآثرسلطانیه، ص ۱۱۴ و بعد، ۱۴۷؛ جهانگیر میرزا، تاریخ نو، ص ۳۲، ۲۶۳، ۳۲۳ و بعد؛ و همچنین در بسیاری از منابع افشار مانند تاریخ جهانگشای نادری، ص ۲۷۱.
۴۵. جهانگیر میرزا، تاریخ نو، ص ۷۱.
۴۶. روضه‌الصفای ناصری، ج ۱۰، ص ۶۰.
۴۷. تاریخ فارسنامه ناصری، ص ۳۱۲.
۴۸. جهانگیر میرزا، تاریخ نو، ص ۱۴۱.
۴۹. عبدالرزاق دنبلی، مآثرسلطانیه، ص ۱۷۸.
۵۰. تاریخ جهانگشای نادری، ص ۲۷۱.
۵۱. همانجا.
۵۲. مسعود مستوفی انصاری، تاریخ احوال عباس میرزا، به کوشش محمد گلبن، (تهران ۱۳۴۹) ص ۲۷.
۵۳. مآثر سلطانیه، ص ۱۱۴.
۵۴. همان کتاب، ص ۶۰.
۵۵. در ارتباط با سپاه روسیه همچنین نگاه کنید به: مآثر سلطانیه، ص ۱۴۷.
۵۶. همانجا.
۵۷. مسعود مستوفی انصاری، تاریخ احوال عباس میرزا، ص ۷۵.
۵۸. مآثر سلطانیه، ص ۱۱۵؛ همچنین رجوع کنید به: محمد خورموجی، حقایق الاخبار ناصری، (تهران، بی نا، بی تا)، ص ۱۲۵.
۵۹. مسعود مستوفی انصاری، تاریخ احوال عباس میرزا، ص ۱۲۵.
۶۰. تاریخ فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۳۳۴.
۶۱. جهانگیر میرزا، تاریخ نو، ص ۲۶۳.
۶۲. همان کتاب، ص ۱۷۹؛ همچنین رجوع کنید به روضه‌الصفای ناصری، ج ۱۰، ص ۶۰ و بعد.
۶۳. جهانگیر میرزا، تاریخ نو، ص ۳۲.
۶۴. تاریخ جهانگشای نادری، ص ۲۷۱.
65. James Morier: *A Second journey through Persia, Armenia & Asia Minor to Constantinople*, 1810-1816. (London 1818). p. 274
۶۵. تاریخ فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۳۱۲.
۶۶. تاریخ نو، ص ۱۸۴، ۲۶۳؛ همچنین رجوع کنید به: روضه‌الصفای ناصری، ج ۱۰، ص ۶۰ و بعد.
۶۷. تاریخ نو، ص ۲۶۹.

۶۸. دائره‌المعارف اسلام، ج ۳، ص ۳۴۹-۳۷۴، تحت عنوان "هبه".
۶۹. تاریخ فارسنامه ناصری، ص ۳۱۲.
۷۰. رقم عباس میرزا به محمدعلی آشتیانی، شوال ۱۲۳۸، در: منشآت قائم مقام فراهانی، به کوشش جهانگیر قائم مقامی، صفحات ۸۵-۸۱، در این جا، ص ۸۲ و بعد.
۷۱. بررسی های تاریخی، سال ششم، شماره ۳، سال ۱۳۵۰، ص ۱۴۰ و بعد.
۷۲. همانجا.
۷۳. تاریخ جهانگشای نادری، ص ۲۷۱.
۷۴. آ.ک. لمبتون، مالک و زارع، ص ۲۷۵ و بعد، ۲۸۴ و ۵۸۲.
۷۵. تاریخ نو، ص ۱۷۹؛ همچنین رجوع کنید به: M. Leonora shell: *Glimpnes of life and manners in Persia*, (New York 1973), p. 392.
۷۶. مسعود مستوفی انصاری، تاریخ احوال عباس میرزا، ص ۷۵.
۷۷. میرزا مصطفی افشار، سفرنامه خسرو میرزا، ص ۱۶۵.
۷۸. مسعود مستوفی انصاری، تاریخ احوال عباس میرزا، ص ۷۷.
۷۹. همانجا؛ همچنین رجوع کنید به: E.S. Waring: *A tour to Sheeraz by the route of Kazroon and Feroozabad*, (New York 1973), p.88 f.
80. W.M. Floor: *The office of Kalantar in Gajar Persia*, in: JESHO 14 (1971), s.253-268.
81. E.S. Waring: *A tour to Sheeraz by the route of Kazeroon...* p.88f.
۸۲. میرزا مصطفی افشار، سفرنامه خسرو میرزا، ص ۱۶۵.
83. John Johanson: *A journey from India to England through Persia, Georgia, Russia & Prussia in the Year 1817*, (London 1818) p. 220.
84. Ibid. p.219.
85. James Morier: *A second journey through Persia...*, 274.
- شبه چنین مقرراتی نیز در عصر صفوی به چشم می خورد، مثلا پیتر دلاواله شوالیه رومی که مهمان شاه بود برای مخارج دوازده نفر و چهارده حیوان باری و سواری لوازم زندگی و مخارج زیر را دریافت داشته است: ۲۵۰ من آرد، ۱۵ من برنج، ۳۷ من کره تازه، ۱۲ من آرد نخود، ۱۲ من نمک، ۳ من ادویه های مختلف مانند فلفل، ۱۰ من دانه انار، ۲۷ من پیاز، ۱۲ من بیه چراغ، ۵ من کشمش، ۵ من آلو، ۵ من سرکه، ۱۰ من پنیر، ۲۰ من ماست، ۳ من شکر، ۵ من عسل و ۱۰۰ من جو برای غذای چارپایان.
- فرستاده هلمستاین در سال ۱۰۴۷/۱۶۳۷ در شهر شماخی اجناسی در حدود ۳۰۰ من در روز دریافت داشته است. این اجناس شامل ۱۷ راس گوسفند، ۲۰ عدد مرغ، ۱۰۰ عدد تخم مرغ، ۵۰ من شراب، ۵۰ راس الاغ بارکشی و نان و نمک بوده است. (به نقل از کتاب: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپائیان، نوشته سیبلا شوستر والسر، ص ۷۶).
86. John Johnson: *A journey form India to England through Persia...* p. 22
87. James B. Fraser: *Narrative of a Journey into Khorasan in the years 1821 and 1822*, (London 1825), p.115.
88. W. Price: *Journal of the British Embassy to Persia*, (London 1829), p.62.
89. George Fowler: *Three Years in Persia with travelling adventures in Koordistan*, (London 1841). Vol.II, p.152.
90. Ibid.
۹۱. تاریخ جهانگشای نادری، ص ۳۹۲؛ تاریخ نو، ص ۳۲۷؛ روضه‌الصفای ناصری، ج ۹، ص ۶۴۷.
92. James B. Fraser: *A winter's Journey (Tatar) from Constantinople to Teheran*, Vol.I, (London 1838), p. 360 f; W. Ouseley: *Travels in various countries of the East*, Vol. III, p. 439; Fraser: *Caspian Sea*, p. 205;
93. James Morier: *A journey through Persia*, p.237.



94. Ibid. P.236.

95. James Morier: *Second journey*, p. 257.

۹۶. مآثر سلطانی، ص ۴۹، ۷۰، ۱۴۷؛ همچنین رجوع کنید به لسان الملك سپهر، ناسخ التواریخ، (۱۳۲۷)، ص ۱۴؛ روضه الصفای ناصری، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

97. W. Ouseley: *Travels in various countries of the East*, Vol.2, p.85.

منابعی که در تهیه این مقاله بکار رفته است

#### ۱- کتب فارسی

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان: تاریخ منتظم ناصری، (تهران ۱۲۲۹).
- استرآبادی، محمد نصیر: تاریخ جهانگشای نادری، (بمبئی ۱۸۷۵).
- پتروشفسکی، ایلیا پاولویچ: کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران، ترجمه کریم کشاورز (تهران، پیام ۳۵۵).
- حسینی فسائی، حسن: تاریخ فارسنامه ناصری، ج ۱، (تهران، سنائی، بی تا).
- جهانگیر میرزا: تاریخ نو، به کوشش عباس اقبال، (تهران ۱۳۲۷).
- خاوری شیرازی، فضل الله: تاریخ ذوالقرنین، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۳۲۰۷.
- خورموچی، محمد: حقایق الاخبار ناصری، (تهران، بی تا، بی نا).
- دنبلی (مفتون)، عبدالرحمن: مآثر سلطانی، (تبریز ۱۳۴۱).
- همدانی، رشیدالدین فضل الله: جامع التواریخ، (لیدن ۱۹۱۱).
- راوندی، نجم الدین ابوبکر: راحة الصدور و آية السرور به اهتمام محمد اقبال، (تهران، علمی، ۱۳۳۳).
- شوشتر ولسر، سیبلا: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان، ترجمه و حواشی، غلامرضا وزه‌رام، (تهران، امیرکبیر، ۲۳۶۴).
- لمبتون، ا.ک. مائلک و زانغ، ترجمه منوچهر امیری، (تهران ۱۳۶۲).
- مستوفی انصاری، مسعود: تاریخ احوال عباس میرزا، به کوشش محمد گلبن، (تهران ۱۳۴۹).
- هندایت، رضا قلی خان: روضه الصفای ناصری، (قم ۱۳۳۵ ش).
- هندوشاه نخجوانی، محمد: دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به تصحیح عباس اقبال، (تهران، طهوری، ۱۳۳۴).

Büsse, H.: *Untersuchung zum islamischen Kanzeleiwesen*, (Kairo 1954).

Dœrfler, G.: *Türkische und Mongolische Elemente in Neupersisch* (Wiesbaden 1963-1975).

Floor, W.M.: «the office kalantar in Qariar Persis», *JESHO* 14 (1971).

Fowler, G.: *Three Years in Persia with Travelling adventures in Koordistan*, (London 1841).

Fraser, J.B.: *A winter's Journey (Tatar) from Constantinople to Teheran*, Vol.1, (London 1838).

Fraser, J.B.: *Narrative of a Journey into Khorasan in the Years 1821 and 1822* (London 1825).

Fry, R.: *Die Perser. Das erste Imperium der Antike*, (münchen 1970).

Johanson, J.: *A Journey from India to England through Persia, Georgia, Russia and Prussia in the Year 1817*, (London 1818).

Minorsky, V.: «A sourghal of Qasim b. Jahangir Aq-Qoyunlu 903/1498», in: *BSOAS* 9 (1937), S.927-960.

Morier, J.: *A second Journey Through Persia, Armenia and Asia Minor to Constantinople 1810-1816*, (London 1818).

Price, W.: *Journal of the British Embassy to Persia*, (London 1829).

Qusely, w.: *Travels in Various countries of the East*, Vol.III, (London 18?)

Reilhouse, J.W.: *A Türkisch and Englisch Lexicon*, (Beirut 1974).

Rolzmer, H.R.: *Staatsschreiben der Timuriden zeit*, (Wiesbaden 1951).

Shell, M.L.: *Glimpses of life and manners in Persia*, (New York 1973).

Waring, E.D.: *A Tour to Sheeraz by the route of Kazoon and Firoozabad*, (New York 1973).



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی